

شیرین خادمی

دگرگونی دیدگاه مورخان هنر به هنر اسلامی مقایسه دو ویراست تاریخ هنر گاردنر

الگ گرابار^۱، مورخ برجسته هنر اسلامی، در کتاب ارزشمند خود به نام *واسطگی* تزیین^۲، بی‌توجهی بیشتر کتابهای تاریخ هنر جهان به هنر اسلامی را نشانه آشکار خودمحموری فرهنگی اروپاییان در بررسی هنر سرزمینها و فرهنگهای غیرغربی شمرده است. او، با ذکر نمونه‌هایی در این خصوص، معتقد است حتی آن زمان که غربیان آثار هنر اسلامی را به منزله هنر به رسمیت می‌شناسند، از منظر غربی درباره آنها داوری می‌کنند و در پی شناخت نوع خاص داوری هنری فرهنگهای غیرغربی، از جمله اسلامی، بر نمی‌آیند. آنان نزد خود چنین می‌انگارند که موضوعات اصلی ادراک بصری همانهاست که در سنت هنر غربی پرداخته شده است.^۳ غربیان بیش از دو قرن است که با آثار هنر اسلامی آشنایی دارند و به گردآوری آنها و بحث و نقد درباره آنها مشغول‌اند. با این حال، هنر اسلامی را غالباً هنری صرفاً تزیینی شمرده‌اند که لباسی فاخر بر تن هنر برگرفته از فرهنگهای دیگر پوشانده است. از این رو، آثار هنر اسلامی را شایسته نقل در کتابهای تاریخ هنر جهان نشمرده‌اند. خوشبختانه در دو دهه اخیر، که نگاه محققان غربی به فرهنگهای غیرغربی معطوف شده، هنر اسلامی در کتابهای تاریخ هنر جایگاهی یافته است. اگرچه همچنان بدین هنر از منظر غربی و برونی نظر می‌کنند، باید از نفس این اعتنا استقبال کرد و آن را آغازی برای شناسایی عمیق و درونی آثار این سنت عظیم فرهنگی و هنری شمرد.

مؤلف مقاله حاضر، در بررسی این دگرگونی دیدگاه، دو ویراست از کتاب

1) Oleg Grabar (1929-)

2) Oleg Grabar, *The Mediation of Ornament*.

3) *ibid*, p. 239.

تاریخ هنرگاردنر را، که انتشار آنها بیست و شش سال از هم فاصله دارد، مقایسه کرده است. ادامه چنین مقایسه‌هایی در کتابهای دیگر در فواصلی چنین معنادار ممکن است به نتایجی چشم‌گیر برسد. برای این منظور می‌توان به بررسی برخی از جریانهای جدید تاریخ هنر اسلامی در اروپا و امریکا نیز، که به مراتب ژرف‌نگرتر از اسلاف خودند، پرداخت. مقاله حاضر را باید مقدمه‌ای در این مسیر تلقی کرد. خیال

هدف از این مقاله بررسی تغییرات نگرش مورخان تاریخ هنرهای تجسمی جهان به آثار هنر اسلامی در دهه‌های اخیر است. بدین منظور، مناسب دیدیم که کار را با مقایسه دو ویراست از کتابی معتبر آغاز کنیم، کتابی که برای این کار برگزیدیم از کتابهای معتبر و مشهور تاریخ هنر جهان است که هر چند گاه ویراستی تازه از آن منتشر می‌شود: هنر در گذر زمان گاردنر.^۴

هلن گاردنر^۵ نخستین بار این کتاب را در حدود هفتاد سال پیش منتشر کرد. ویراست ششم کتاب در سال ۱۹۷۵ انتشار یافت. این ویراست ابتدا در سال ۱۳۶۵ش به فارسی ترجمه و منتشر شد و آخرین بار نیز در سال ۱۳۸۱ش، ترجمه همین ویراست با اندکی تغییرات و اصلاحات تجدید چاپ شد.^۶ آخرین ویراست آن، ویراست یازدهم، در سال ۲۰۰۱ طبع شده است.^۷ در این مقاله دو ویراست ششم و یازدهم را، با بیست و شش سال فاصله، از لحاظ پرداختن به هنر اسلامی مقایسه می‌کنیم. بدین منظور، ابتدا ساختار کلی ویراست جدید کتاب و رویکردهای نوین نویسندگان آن را معرفی می‌کنیم. سپس، با تدقیق در بخش هنر اسلامی، علاوه بر معرفی مباحث جدید افزوده به آن، مواردی را که در ویراست ششم بحث‌انگیز بوده و در ویراست جدید اصلاح شده است ذکر می‌کنیم.

4) Gardner's Art through the Ages

5) Hellen Gardner (1878-1946)

۶) هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی.

7) Fred S. Kleiner, Christin J. Mamiya, Richard G. Tansey (eds.), Gardner's Art through the Ages.

۸) ویراستهای قبلی کتاب در سالهای ۱۹۲۶، ۱۹۳۶، ۱۹۴۸، ۱۹۵۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶ به چاپ رسیده است.

چاپ ویراستهای متوالی از کتابهای مهم و مرجع از سنتهای نیکویی است که هم کار محققان را تداوم می‌بخشد و مانع تکرار می‌شود و هم آثار را زنده و باطراوت نگاه می‌دارد. این سنت به خوبی درباره کتاب مورد بحث عملی شده است، و امروز که ویراست یازدهم کتاب در اختیار ماست، سالها از وفات خانم گاردنر می‌گذرد.^۸ در ویراست جدید، از یک سو ماهیت کار نویسنده نخست

Gardner - 1

حفظ شده و، از سوی دیگر، فرزند زمان خویشتن است؛ آنچنان که می‌توان آن را اثری کاملاً متفاوت از ویراستهای پیشین دانست. از مشخصات و ویژگیهای این آخرین ویراست پرداختن به آخرین جنبشهای هنری نوین، ذکر یافته‌های جدید باستان‌شناسی، معرفی آثار برجسته شاخه‌های متنوع هنرها از دوره‌ها و سبکهای مختلف و تفکیک دقیق دوره‌های هنری از یکدیگر است. این کتاب شامل ۳۴ فصل همراه با پیش‌گفتار، مقدمه، کتاب‌نامه، واژه‌نامه، نمایه اعلام، نمایه موضوعی و راهنمای تلفظ صحیح نام هنرمندان است. همچنین نظام تبویب ویراستهای قبلی، که ابتدا شامل بخشها و سپس فصلها بود و به نوعی موجب کلیت‌بخشی به مفاهیم متمایز در تاریخ هنر می‌شد، در

این اثر دیده نمی‌شود.^۹ فصلهای کتاب از این قرار است:

۱. تولد هنر: افریقا، اروپا، و خاور نزدیک در دوران سنگ
۲. طلوع تمدن: هنر شرق نزدیک در عهد باستان
۳. فراغنه و حیات اخروی: هنر مصر باستان
۴. مینوس و قهرمانان هومر: هنر پیش از تاریخ اژه
۵. خدایان و دلیران و قهرمانان: هنر یونان باستان
۶. خط سیر روشنگری: هنر باستانی آسیای جنوب شرقی و جنوب آسیا
۷. هنر تائویی و کنفوسیوسی و بودایی: هنر چین و کره آغازین
۸. تندیسهای مقدس و طومارهای نامقدس: هنر ژاپن آغازین
۹. ایتالیا پیش از رومیان: هنر اتروریایی^{۱۰}
۱۰. از هفت تپه تا سه قاره: هنر روم باستان
۱۱. بت پرستان و مسیحیان و یهودیان: هنر اواخر عهد عتیق
۱۲. روم در شرق: هنر بیزانس
۱۳. محمد [ص] و مسلمانان: هنر اسلامی

۹) در ویراست ششم کتاب، در سال ۱۹۷۵، که به فارسی ترجمه شده، عنوان «هنر اسلامی»، هم‌ردیف هنر صدر مسیحیت و هنر بیزانس، در بخش دنیای کهن قید شده است.

10) Etruscan

خیال ۱۰

تابستان ۱۳۸۳ فصلنامه فرهنگستان هنر

۱۵۷

Gardner - 2

خلعت عثمانی، موزه کاخ توپقایی،
استانبول.

11) Mannerism

12) Reformation

13) Shoguns

۱۴. از آلاسکا تا آند: هنرهای امریکای باستان
۱۵. جنوب صحرا: هنر افریقای آغازین
۱۶. اروپا پس از سقوط روم: هنر ابتدای سده‌های میانه در غرب
۱۷. عصر زایران و مجاهدان: هنر رومی وار
۱۸. عصر کلیساهای جامع باشکوه: هنر گوتیک
۱۹. از گوتیک تا رنسانس: قرن چهاردهم میلادی در ایتالیا
۲۰. از پارسایی و دل‌بستگی و سیاست: هنر قرن پانزدهم میلادی در شمال اروپا و اسپانیا
۲۱. اومانسیم و جاذبه عهد باستان: هنر قرن پانزدهم در ایتالیا
۲۲. زیبایی، علم و روح در هنر ایتالیا: رنسانس متأخر و منریسم^{۱۱}
۲۳. جنبش دین‌پیرایی^{۱۲}: هنر قرن شانزدهم شمال اروپا و اسپانیا
۲۴. پاپها، دهقانان، فرمانروایان و بازرگانان: هنر باروک و روکوکو
۲۵. تغییرات مذهبی و سلطه استعماری: هنر متأخر جنوب و جنوب شرقی آسیا
۲۶. هجوم و بازگشت و دگرگونی: هنر چین و کره متأخر
۲۷. از شوگان^{۱۳}ها تا امروز: هنر ژاپن متأخر
۲۸. روشنگری و میراث آن: نئوکلاسیسیسم در میانه قرن نوزدهم
۲۹. طلوع مدرنیسم: اواخر قرن نوزدهم
۳۰. قبل و بعد از فاتحان: هنرهای بومی امریکا بعد از سال ۱۰۰۰م
۳۱. شیوخ، بزرگان، رؤسا، و پادشاهان: هنرهای اقیانوسیه
۳۲. کشف و استعمار و استقلال: هنر افریقای متأخر
۳۳. پیروزی هنر مدرن: اوایل قرن بیستم
۳۴. ظهور پست‌مدرنیسم: اواخر قرن بیستم

Gardner - 4

از دیگر ویژگیهای ویراست جدید آوردن قابهایی در هر فصل در معرفی زمینه‌های مهم تاریخ هنر آن دوره است که اطلاعاتی جامع درباره اصطلاحات، فنون به کار رفته در آثار، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی پیدایش آثار در بر دارد و در شش عنوان کلی طبقه‌بندی شده است: اصول و مبانی معماری، مصالح و روش ساخت، منابع نوشتاری، دین و اساطیر، هنر و جامعه، اکتشافات جدید باستان‌شناختی. این اطلاعات متناسب با محتوای هر فصل تنظیم شده است؛ مثلاً در فصل مربوط به هنر اسلامی، موضوع قابها چنین است:

۱. دین: «محمد [ص] و اسلام». این بخش اشاره‌ای به زندگی حضرت رسول (ص) و مشخصات دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان دارد.

۲. اصول و مبانی معماری: «مسجد اسلامی». در اینجا از ساختار مسجد در اسلام و مشخصات کلی آن بحث می‌کند و اولین مسجد در اسلام را، که خانه پیامبر (ص) در مدینه است، مثال می‌آورد.

۳. منابع نوشتاری: «سنن کبیر»^۴: مسجد سلیمیه و ایاصوفیه». در این قسمت ضمن اشاره‌ای مختصر به زندگی سنن، نوشته‌ای از نویسنده زندگینامه او، ساعی مصطفی چلبی، در مورد آثار سنن درج شده است.

۴. مصالح و روش ساخت: «کاشی‌کاری اسلامی». در اینجا روش ساخت و به‌کارگیری چند نوع کاشی را که در معماری اسلامی، خصوصاً مساجد، فراوان استفاده شده، شرح داده است.

مزیت این قابها در نگارش تاریخ هنر فراهم آوردن امکانی برای پی‌گیری روند منطقی بحث است، بی آنکه بحث اصلی متن خدشه‌دار شود.

حال به بخش هنر اسلامی این کتاب می‌پردازیم. فصل سیزدهم ویراست اخیر کتاب، با عنوان «محمد [ص] و مسلمانان: هنر

قالی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن.

(۱۴) سنن بن عبدالله (۸۵۹-۹۸۶ق)، بزرگ‌ترین معمار ممالک عثمانی. مساجد جامع سلیمانیه و شه‌زاده در استانبول و مسجد سلیمیه در ادرنه از مهم‌ترین آثار اوست. - و.

Gardner - 5

اسلامی»، شامل سه باب است: طلوع اسلام؛ هنر اسلامی اولیه؛ هنر اسلامی متأخر. عنوان هنر اسلامی اولیه و هنر اسلامی متأخر نیز هر کدام خود به دو قسمت معماری و هنرهای زینتی^{۱۵} تقسیم و در بستر زمانی خود بررسی می‌شود. مثلاً در بخش معماری می‌توان از این آثار نام برد: قبه الصخره، مسجد اعظم دمشق، کاخ امویان در مشتی، مسجد شیبستانی تونس، مناره بیجان سامرا، مسجد جامع قرطبه، کاخ الحمراء در اسپانیا، مجموعه سلطان حسن در قاهره، مسجد سلیمیه در ترکیه، مسجد جامع اصفهان و تاج محل در هند، که هر یک مستقلاً تحلیل شده است.

در بخش هنرهای زینتی، ابتدا تعریف جامعی از جایگاه طرح و نقش در میان انواع هنرهای اسلامی عرضه شده؛ سپس

برخی از نمونه‌های زیبا و برجسته بافته‌ها و اشیای فلزی بررسی شده است. این بخش با بحث از هنر قرآنی، خصوصاً خوشنویسی و جایگاه معنوی آن، به منزله مهم‌ترین هنر تزئینی اسلام، پایان می‌یابد. برخی از آثاری که در این بخش بررسی شده از این قرار است: صفحه‌ای از قرآن مربوط به اوایل دوران اسلامی که در کنابخانه چستریتی^{۱۶} شهر دوبلین^{۱۷} نگهداری می‌شود؛ قالی مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بزرگ‌ترین فرش بافته در دوران اسلامی، که اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت^{۱۸} لندن نگهداری می‌شود. در مبحث نگارگری ایرانی اثری از سلطان محمد، با نام بارگاه کیومرث، از لحاظ تاریخی و مضامین داستانی بررسی می‌شود. این اثر هم‌اکنون در مجموعه صدرالدین آقاخان در ژنو نگهداری می‌شود.

حال به بخش هنر اسلامی در ویراست ششم کتاب می‌پردازیم.

محراب کاشی مدرسه امامی اصفهان، موزه متروپولیتن، نیویورک.

۱۵) در کتاب "Luxury art" قید شده است. از آنجا که واژه luxury در فارسی معنای تجمل و تفنن می‌دهد، متضمن بار معنایی و کارکردی تزئینی در هنر اسلامی نیست. لذا عنوان هنرهای زینتی یا تزئینی واژه مناسب‌تری برای این نوع هنرهاست. نک. اولگ گرابار، شکل‌گیری هنر اسلامی، ص ۲۰۸-۲۱۰.

16) Chester Beatty Library

17) Dublin

18) Victoria and Albert

چنان که ذکر شد، ویراست ششم کتاب در سال ۱۹۷۵ و ترجمه فارسی آن، به قلم محمدتقی فرامرزی، در سال ۱۳۶۵ ش منتشر شد. این ترجمه چهار بار تجدید چاپ شده، که نسخه مورد نظر در این مقاله چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۱، است. کتاب شامل شش بخش و بیست و دو فصل است که در مقایسه با ویراست یازدهم، دوازده فصل کمتر دارد.

چنان که گفتیم، در ویراست ششم فصول ذیل بخشهایی دسته‌بندی شده و همین دسته‌بندی، علاوه بر آنکه خود متضمن دیدگاهی خاص است، مانع از تفصیل بیشتر شده است.^{۱۹} مثلاً در ویراست ششم، بخش پنجم، با عنوان «جهان غیراروپایی»، شامل پنج فصل است: هنر هند؛ هنر ژاپن؛ هنر امریکای پیش از کریستف کلمب؛ هنر بومیان امریکا و افریقا و اقیانوسیه؛ اما در ویراست جدید این بخش‌بندی صورت نگرفته، بلکه تمامی فصلها به ترتیب تقدم زمانی ذکر شده است. عنوان برخی از فصلهایی که در نسخه قدیم نیست چنین است: هنر باستانی جنوب شرقی و جنوب آسیا؛ هنر چین و کره آغازین؛ هنر ژاپن آغازین؛ هنر بیزانس؛ هنر اسلامی؛ هنر متأخر جنوب و جنوب شرقی آسیا؛ هنر چین و کره متأخر؛ هنر ژاپن متأخر؛ نئوکلاسیسیسم در میانه قرن نوزدهم؛ هنرهای بومی امریکا بعد از سال ۱۰۰۰م؛ هنرهای اقیانوسیه؛ هنر افریقای متأخر؛ هنر اواخر قرن بیستم. همچنین بخش ششم از نسخه قدیمی، که در مورد هنر عکاسی است و مناسبت کافی با دیگر بخشهای کتاب ندارد، در نسخه جدید حذف شده است. در فصلهای مشابه نیز غالباً تغییرات محتوایی صورت گرفته و گاه عنوان فصل یا موضوع تغییر یافته است. مثلاً در فصل یازدهم ویراست جدید، عنوان «هنر اواخر عهد عتیق» به جای آنچه همواره «هنر صدر مسیحیت» نامیده می‌شد به کار رفته است. این تغییر نام معرف نوعی تغییر دیدگاه است؛ زیرا در این فصل، هنر مسیحی و هنر یهودی بررسی شده که در زمان تسلط رومیان شکل گرفته و، به نظر مؤلفان، تأثیری بارز بر هنر و معماری سده‌های میانه داشته است. در اغلب آثار این دوره مضامین

۱۹) نسخه قدیمی شامل شش بخش است: ۱. جهان کهن؛ ۲. سده‌های میانه؛ ۳. رنسانس و باروک؛ ۴. جهان نوین؛ ۵. جهان غیراروپایی؛ ۶. عکاسی از آغاز تا امروز.

Gardner - 7

منار مسجد اعظم، سامرا.

تورات غالب است، چرا که اغلب نوگروندگان به دین مسیح در آن زمان، خود پیش‌تر یهودی بوده‌اند.^{۲۰}

چنان که گفتیم، در ویراست قدیم کتاب، هنر اسلامی همراه با هنر صدر مسیحیت و بیزانس در یک فصل قرار گرفته و آن فصل خود ذیل بخش «جهان کهن» است. عنوان هنر اسلامی خود دارای عنوانهای فرعی معماری، ساخته‌ها و یافته‌های دستی، و کتاب‌آرایی است. در هر دو ویراست، معدودی از آثار هنر اسلامی معرفی شده است. شایسته است که، متناسب با مقصود این مقاله، مطالب مربوط به این آثار را در دو ویراست کتاب مقایسه کنیم.

خانه پیامبر (ص) در مدینه

این مبحث اولین مورد مشترک در دو ویراست کتاب است؛ هرچند که در چاپ جدید، این بحث در قالبی با عنوان «مسجد اسلامی» درج شده است. این بنا معرف ساختار کلی و معیار مسجد در اسلام تلقی و ساختمان مساجد دیگر با آن مقایسه شده است. در هر دو ویراست، محراب را از ویژگیهای مسجد شمرده‌اند. در ویراست جدید در تعریف آن آورده‌اند:

محراب فرونشستگی‌ای نیم‌دایره‌ای، معمولاً در دیوار قبله، است. این فرونشستگی از مشخصات معماری یونانی- رومی نیز بود، که معمولاً مجسمه‌ای در آن جای می‌گرفت؛ اما در معماری اسلامی، ریشه و منشأ آن هنوز محل بحث است. بعضی از صاحب‌نظران هنر اسلامی [نظیر الگ گرابار] احتمال داده‌اند که منشأ محراب مکانی باشد که پیامبر [ص] به هنگام امامت نماز جماعت در خانه‌اش در مدینه در آن می‌ایستاد. بنا بر این، محراب یادواره دینی محترمی است. همچنین احتمال دارد که نمادی از دروازه بهشت باشد.^{۲۱}

در چاپ قدیم کتاب، نظر الگ گرابار را در مورد محراب مطرح کرده، اما آن را زیر سؤال برده و نوشته‌اند:

اگر محراب چنین نقش نمادینی داشته باشد، عجیب است؛ زیرا

20) Fred S. Kleiner et. al. (eds.), *Gardner's Art through the Ages*, p. 364.

21) *ibid.*, p. 364.

یکی از ویژگیهای هنر اولیه اسلامی، اجتناب هماهنگ آن از به کار گرفتن نمادهاست... به بیان دقیقتر، اجتناب از نمادپردازی مذهبی می‌تواند بازتابی از نفی آگاهانهٔ رسمها و آیینهای مسیحی تلقی شود.^{۲۲}

راست است که از نظر گرابار، محراب در معماری اسلامی معنایی نمادین داشته است؛ اما او خود در جایی دیگر اجتناب از به‌کارگیری نمادها را از مشخصات هنر اولیهٔ اسلامی شمرده است.^{۲۳} به نظر می‌رسد گرابار این نکته را در مقایسه با هنر مسیحیت مطرح می‌کند؛ چرا که خود او مهم‌ترین دلیل احتراز از بیان نمادین در هنر اولیهٔ اسلامی را پس‌زنی آگاهانهٔ عادات و شیوه‌های متداول در فرهنگهای ادیان دیگر، به‌ویژه مسیحیت مدیترانه‌ای، می‌داند که فرهنگ اسلامی جانشین آن شد؛ زیرا انسجام شرعی و اخلاقی دین اسلام اجازه نمی‌داد تا واژگان هنری قدیمی‌تر یا هم‌عصر را، که مضامینی از ادیان دیگر در خود داشت، بپذیرد و در نتیجه هویت مستقل خود را از دست بدهد.^{۲۴} با این تعبیر، سخن گرابار دربارهٔ کاربرد نمادین محراب در هنر اولیهٔ اسلامی متناقض نیست؛ زیرا محراب از معدود نمادهای اولیهٔ اسلامی است و به منشأ اسلامی خود برمی‌گردد.

مجموعهٔ سلطان حسن در قاهره

از دیگر آثاری که هم در نسخهٔ قدیم و هم در نسخهٔ جدید از آن یاد شده است، مجموعهٔ سلطان حسن در قاهره است. این بنا مدرسه - مقبره است و از بناهای متأخر هنر اسلامی به شمار می‌رود. مقبره گنبدخانه‌ای ساده در کنار دیوار سمت قبلهٔ مدرسه است. در ویراست قدیم کتاب، طرح این گنبدخانه را منبعث از معماری بیزانس شمرده و اصولاً استفاده از این گونه گنبدخانهٔ متقارن را تقلیدی از معماری غربی شمرده‌اند. دلیلی که برای این مطلب ذکر کرده‌اند این است که چنین بناهایی در زمرهٔ معماری اولیهٔ اسلامی دیده نشده است.^{۲۵} این مطلب در ویراست جدید به کلی نفی شده است؛ زیرا در این نسخه، در بحث از معماری اولیهٔ اسلامی، بنای مقبرهٔ امیر/سماعیل سامانی در

۲۲) هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ص ۲۵۸.

۲۳) اولگ گرابار، شکل‌گیری هنر اسلامی، ص ۱۳۲.

۲۴) همان، ص ۲۳۱.

۲۵) هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ص ۲۶۲.

Gardner - 6

بخارا (ازبکستان امروزی) بررسی شده است، که قدیم‌ترین مقبره بر جای مانده در جهان اسلام و قدیم‌ترین گنبدخانه است. مؤلفان مقبره سلطان حسن در قاهره را صورتی عظیم از مقبره / میراسماعیل شمرده‌اند. آن‌گاه گفته‌اند که این نوع بنای گنبدخانه‌ای که بعدها اساس طرح مساجد عثمانی قرار گرفت، برگرفته از معماری ایران است که در اوایل قرن چهارم / دهم در مقبره / میراسماعیل در بخارا به کار رفته است.^{۲۶}

مقبره / میراسماعیل سامانی، بخارا.

کاخ الحمراء در اسپانیا

به نظر می‌رسد در نسخه جدید، در هنگام ذکر ظرافتهای معماری و گچ‌بریهای تزئینی این کاخ، به جنبه‌های معنوی و بار معنایی این تزئینات بیشتر پرداخته‌اند و، از همین رو، عنوان این قسمت را «بهشت و گنبد فلک» نهاده‌اند. نویسندگان این کاخ را، با تمامی وسایل درونش، تصویری از بهشت معرفی می‌کنند.^{۲۷} همچنین در صحبت از تالار دوخواهران در این کاخ، علت شهرت آن را سقف و دیوارهای استثنایی آن می‌دانند که حدود پنج‌هزار طاسه مقرنس دارد و جلوه نور را به تماشا می‌گذارد. طاق مدور در قسمت بالای این تالار و بقیه بخشهای کاخ نماد گنبد بهشت است. کتیبه‌های دیوارهای کاخ حاوی اشعاری از ابن زمرک (۷۳۳-۷۹۵/۱۳۳۳-۱۳۹۳)، شاعر اندلسی است. به نظر مؤلفان، این کتیبه‌ها نیز جنبه نمادین طاقهای مقرنس را تقویت می‌کند؛ زیرا شاعر این مقرنسها را به ستارگانی تشبیه کرده است که بر مدارشان در گردش‌اند.^{۲۸} در ویراست قدیمی کتاب چنین تعبیری دیده نمی‌شود؛ در آنجا بحث منحصر به ساختار کلی کاخ و گچ‌بریهای منحصر به فرد آن است.

26) Fred S. Kleiner et. al (eds.), *Gardner's Art through the Ages*, p. 373.

27) *ibid.*, p. 372.

28) *ibid.*

بنای تاج محل در هند

آخرین مورد مشترکی که در دو چاپ کتاب هنر در گذر زمان به آن پرداخته شده بنای تاج محل است. در نسخه قدیمی، بیشتر به مقایسه تاج محل با مقبره سلطان حسن و کاخ الحمراء پرداخته و جداگانه درباره آن سخن نگفته‌اند. بنا بر نظر مؤلفان آن ویراست، شکل اصلی این بنا تقلیدی از مقبره سلطان حسن در قاهره است که ظرافت‌کاریهایش جلوه‌ای بی‌وزن بدان بخشیده است.^{۲۹} در نسخه جدید، تاج محل را «بهشت هند» خوانده‌اند و گفته‌اند نقشه این بنا از باغهای ایرانی اقتباس شده است؛ با این تفاوت که در باغهای ایرانی، کوشک در مرکز باغ قرار می‌گیرد، ولی در اینجا بنا در انتهای یکی از اضلاع طولی باغ قرار گرفته است. گنبدخانه آن نیز برگرفته از مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا است، که باز منشائی ایرانی دارد. در انتها، به سخنان عبدالحمید لاهوری، مورخ دربار شاه جهان در قرن یازدهم/ هفدهم، پرداخته‌اند که خود طرز ساختن بنای تاج محل را از نزدیک دیده و به جنبه‌های معنوی طرح این بنا اشاره کرده است. او مناره‌های تاج محل را با نردبانهایی که به سوی آسمان می‌روند و باغهای پیرامون تاج محل را به باغهای بهشتی تشبیه می‌کند. بر دروازه‌های باغها و دیوارهای مقبره کتیبه‌هایی از آیات قرآن کریم و سایر متون اسلامی آمده است که نظر مورخان را درباره نمادپردازی در طرح مقبره تأیید می‌کند.^{۳۰}

با مقایسه دو ویراست قدیم و جدید کتاب هنر در گذر زمان، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ویراست جدید این اثر ساختاری منسجم‌تر دارد و در مباحث آن نیز به آراء تازه مورخان هنر و باستان‌شناسان توجه شده است. نمونه بارز این ویژگی این است که در بخش هنر اسلامی بر اهمیت ایران، به منزله جایگاه ابتکار و ابداع در هنر اسلامی، تأکید شده است. این نکات در ویراستهای قبلی به چشم نمی‌خورد. اما شاید بتوان مهم‌ترین تحول صورت گرفته در ویراست جدید را دگرگونی محتوایی آن ذکر کرد، که خود نمونه‌ای از

۲۹) هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ص ۲۶۳.

30) Fred S. Kleiner et. al (eds.), *Gardner's Art through the Ages*, p. 379.

تغییر دیدگاههای محققان غربی درباره هنر اسلامی است. این محققان در دهه‌های اخیر بیش از اسلاف خود به سیاق و بستر تکوین و رشد هنر اسلامی و فحوای آن توجه دارند و تلاش می‌کنند آثار هنر اسلامی را در دل زمینه فرهنگی - تاریخی خود آن آثار بررسی کنند. با توجه به چنین دگرگونی‌هایی در ویراست جدید کتاب و، همچنین، اهمیت تاریخ هنرگاردنر برای دانشجویان و محققان ایرانی، شایسته است اهل قلم و نشر به ترجمه ویراست جدید آن اهتمام ورزند.

منابع:

- گاردنر، هلن. هنر در گذر زمان، به تجدید نظر هورست دلاکروا و ریچارد تنسی، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، نگاه، ۱۳۸۱.
- گرابار، اولگ. شکل‌گیری هنر اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
- Grabar, Oleg. *The Mediation of Ornament*, Princeton, Princeton University Press, 1992.
- Kleiner, Fred S., Christian J. Mamiya, Richard G. Tansey (eds.). *Gardner's Art through the Ages*, USA, Harcourt College Publishers, 2001.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی